

شورای امنیت و سوءاستفاده از تحریم به عنوان ابزار فشار در جهت وادار ساختن ایران به رها نمودن حقوق خود بوده اند؛ حقوقی که توسط معاهده NPT تضمین شده است.

می توان گفت هدف آنها از مذاکره با ایران یافتن راه حل نبوده بلکه هدف، تحمیل تعلیق حقوق ملت ایران بوده است. طرف های اروپایی حتی برای ادامه مذاکره با ایران در انتظار نتایج انتخابات ریاست جمهوری مانده و بدین منظور و با این دلخوشی درخواست های تیم مذاکراتی اول ایران را بی پاسخ می گذاشتند. سرانجام با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، مردم ایران نامزدی را برگزیدند که اتفاقاً مورد انتظار غربی ها نبود، چرا که می دانستند با این انتخاب، کار دشوار آنها برای محروم کردن ملت ایران از حقوق خویش، بسیار دشوارتر شده است. از این مقطع به بعد پارادایم مذاکرات تغییر یافت و مدعیان مذاکرات صادقانه در برابر این گفته منطقی قرار گرفتند که صداقت آنها باید در عرصه مذاکره و عمل اثبات شود.

■ غرب در برابر عمل انجام شده

در آذر ماه سال ۸۴ و چند ماه پس از روی کار آمدن دولت جدید، ایران نامه ای به آژانس اتمی ارائه کرد مبنی بر این که قصد رفع تعلیق از سایت نطنز و سانتریفیوژهای آن را دارد و برنامه تحقیقات علمی غنی سازی در این مرکز، پی گرفته خواهد شد.

رئیس جمهور و دبیر شورای عالی امنیت ملی بر این موضع تأکید کردند که ایران برای ادامه مذاکره و اعتمادسازی آماده است، اما تعلیق باید مبنای دلیل داشته باشد. بدین ترتیب تفاوت تعلیق با توقف دائم از طرف

از ابتدا سعی داشت از توافق ایران و اروپا جلوگیری کند و اشتباه استراتژیک اروپا این بود که نتوانست در برابر آمریکا مقاومت کند و غافل از آن بود که موضوع هسته ای در ایران به غرور و افتخار ملی پیوند دارد.

■ دو سند مهم از پشت پرده اهداف غرب

در این زمینه توجه به دو سند، گویای بسیاری از مطالب است. در اکتبر سال ۲۰۰۴ زمانی که ۳ کشور اروپایی فرانسه، آلمان و انگلیس به ظاهر مشغول مذاکره با ایران بودند، یک متن غیررسمی با عنوان راه هایی برای بررسی برنامه هسته ای ایران در شورای امنیت توسط نمایندگی آمریکا در سازمان ملل توزیع شد. در این سند آمده است: «ایالات متحده همواره بر این عقیده بوده است که فعالیت هسته ای ایران باید به شورای امنیت گزارش شود، چون این شورا از اقتدار حقوقی برای الزام ایران به توقف غنی سازی برخوردار است.» در همان حال مدیر سیاسی وزارت امور خارجه انگلیس در نامه مورخ ۱۶ مارس ۲۰۰۶ به همتایان خود در فرانسه و آلمان و آمریکا برنامه موزیانه تری را تشریح کرد. وی در این نامه آورده است: «مجبوریم یکی از استدلال های ایران که همواره می گوید تعلیق امری داوطلبانه است را از بین ببریم ما می توانیم این کار را با الزامی کردن تعلیق داوطلبانه از طریق شورای امنیت انجام دهیم.»

در ادامه نامه آمده است: «همان طور که قول داده بودم یک متن کوتاه به عنوان محور مذاکره با روس ها و چینی ها را برای شما ارسال می کنم، این متن بدین باور استوار است که ما نمی توانیم روس ها و چینی ها را وادار به موافقت با تحریم ها در خلال ماه های آتی کنیم بدون این که به نحوی نشان دهیم تلاشی برای همراه کردن ایرانی ها انجام داده ایم... در مقابل این که روس ها و چینی ها با یک قطعنامه فصل هفتمی موافقت کنند، ما نیز در آن صورت می توانیم یک بسته پیشنهادی را تنظیم کرده و آن را به ایرانی ها ارائه کنیم.» بدین ترتیب می توان انگیزه ارائه بسته به اصطلاح تشویقی که چند ماه بعد از نگارش این نامه به ایران ارائه شد را دریافت. همچنین مشخص می شود چرا آمریکا و سه کشور اروپایی هرگز زحمت مطالعه پیشنهادات مختلفی که از سوی ایران ارائه شده را به خود نداده اند، زیرا از ابتدا مصمم به بهره برداری از

مقطع پانزده سال ۸۱ مخالفین سیاسی ایران حمله وسیعی را در رسانه های جهانی علیه این برنامه آغاز کردند که سرانجام آن به مذاکرات تهران و اقدام اعتمادساز و مهم ایران برای تعلیق فعالیت های مربوط به غنی سازی رسید. اگرچه همان زمان تفاوت فرات فرستادگان اروپایی به تهران با مسئولین ایرانی مشخص بود و کمابیش این تفاوت بیان نیز می شد و مراد میهمانان اروپایی تهران و دوستان آمریکایی آنها از تعلیق، همان توقف دائم فعالیت های ایران بود.

سخن تونی بلر نخست وزیر انگلیس را همه به یاد دارند که گفت: «میوه آنچه در عراق به دست آوردیم را در ایران چیدیم.» طرف اروپایی با راهبری آمریکا و انگلیس با استفاده از چماق شورای امنیت سازمان ملل هر روز بر دامنه تعلیق ها در مذاکرات افزود و به غیر از سانتریفیوژهای سایت نطنز، دیگر مراکز مانند فرآوری اورانیوم UCF اصفهان و حتی مونتاژ قطعات سانتریفیوژ را شامل تعلیق کرد، اما اروپا به قول خود برای کمک به عادی سازی پرونده ایران در آژانس اتمی و خارج کردن آن از دستور شورای حکام و دیگر قرارها عمل نکرد.

اروپایی ها موظف بودند به غیر از مفاد نظارتی NPT در جهت اجرای بخش های حمایتی آن (بند ۴) با ایران همکاری کنند که چنین نشد. در مقابل، ایران نه تنها کلیه اسناد و قراردادهای بین المللی مرتبط، مانند پروتکل الحاقی NPT را امضا و اجرا کرد، بلکه یکسری همکاری های حیرت انگیز با اروپا و آژانس حتی فراتر از تعهدات حقوقی خود انجام داد و سعی کرد به سهم خود، ابهام ها و نگرانی ها را رفع کند.

رفتار سؤال بر انگیز طرف اروپایی در پیروی و همراهی با آمریکا در داخل انتقاداتی را متوجه دولت وقت ساخته بود. عمده گروه های سیاسی اصولگرای خارج از دولت وقت انتقاداتی را متوجه رفتار دو طرف ساختند و سرانجام این فشارها باعث شد شورای عالی امنیت ملی که مسئولیت پرونده را داشت، بخشی از تعلیق ها را در اواخر دوره دولت قبل رفع کرده و مونتاژ قطعات و مرکز UCF اصفهان از تعلیق خارج شوند. با این وجود سایه تعلیق بر سر فعالیت های هسته ای ایران و سرمایه گذاری صورت گرفته در آن بدون وجود چشم اندازی امیدوارکننده، سنگینی می کرد. به گفته منابع آگاه، آمریکا

سخن تونی بلر نخست وزیر انگلیس را همه به یاد دارند که گفت: «میوه آنچه در عراق به دست آوردیم را در ایران چیدیم.» طرف اروپایی با راهبری آمریکا و انگلیس با استفاده از چماق شورای امنیت سازمان ملل هر روز بر دامنه تعلیق ها در مذاکرات افزود

